

## چرخ اقتصاد بالاخره چرخیداما برای اروپا!

سفر رئیس جمهور به ایتالیا و فرانسه، سفری پربرکت بود و با دستانی پر از سوغات فرنگ به کشور بازگشت! این جمله با ادبیاتی متفاوت، ترجیع‌بند همه روزنامه‌های اصلاح‌طلب بود...



### گزارش خبری تحلیلی کیهان چرخ اقتصاد بالاخره چرخیداما برای اروپا!

سفر رئیس جمهور به ایتالیا و فرانسه، سفری پربرکت بود و با دستانی پر از سوغات فرنگ به کشور بازگشت! این جمله با ادبیاتی متفاوت، ترجیع‌بند همه روزنامه‌های اصلاح‌طلب بود و برای تقویت جبهه زنجیره‌ای‌ها، برخی همراهان رئیس جمهور در سفر به فرنگ هم دست به کار شدند و سفرشان را مایه خیر و برکت برای ایران دانستند! آنها در حالی به خودستایی و تعریف از اقدام خودشان می‌پردازند که حاضر نیستند یک گزارش چند سطری به مردم، درباره دستاوردهای سفرشان بدهند تا همگان در شادی این موضوع شریک شوند که قرار است چرخ اقتصاد ما بچرخد! اما در مقابل، به سیاق گذشته، دولتمردان همچنان مردم را نامحرم دانستند و جز لبخندهایی مصنوعی در برابر دوربین و بشارت خرید هواپیما و منت کشیدن از پژو، حرف دیگری نگفتند. اما در مقابل، اروپایی‌ها که لابد از سوی کسی نامحرم نبودند، خیلی رازها را برملا کردند تا ما هم باخبر شویم که بالاخره چرخ اقتصاد چرخید، اما در اروپا!

یک خبر خوب

در حالی که همه تلاش‌ها بر این است که به مردم القا شود همای سعادت بر شانه‌شان نشسته و ما با خرید هواپیما به دروازه‌های تمدن رسیدیم و لابد پس از آن به رونق اقتصادی، بلمبرگ خبری داد که آه از نهاد هر ایرانی میهن‌دوستی برآورد! «پذیرش شکفت‌انگیز ایران برای خرید ایرباس گروه «اس‌پی‌ای 380»، دومین دور از قراردادهای تازه برای سوپرجامبوه‌های این شرکت در سه هفته است و به این شرکت هواپیما ساز کمک خواهد کرد تا بر مشکلات خود چیره شود. قرارداد ایران برای 12 فروند ای 380 که روز سه‌شنبه اعلام شد همراه با فروش سه فروند هواپیمای دوطبقه به شرکت هواپیمایی ژاپن، مایه شادمانی ایرباس شد؛ چرا که این مدل تازه، پس از سه سال نخستین خریدار خود را پیدا کرده است؛ پانزده فروند جت به ارزش 5/6 میلیارد دلار فضای تنفسی تازه‌ای برای این سازنده فرانسوی فراهم خواهد کرد. سفارش این هواپیماها برای خط ای 380 که سالی 30 فروند می‌سازد دست‌کم شش ماه کار فراهم خواهد آورد...» واضح است که در این معامله، چه کسی به چه کسی کمک کرده است! در حالی که آخرین امید مردم به آن همه وعده‌های دولت تدبیر و امید، در پسابرجام و پس از رفع تحریم‌ها برآورده و پول ملت، صرف به حرکت در آمدن چرخ اقتصاد ملی شود، خرید هواپیما از شرکتی که سه سال بود حتی یک مشتری نداشت، ظلمی آشکار به مردم و خدمتی عجیب به یکی از دشمنان کشورمان بود.

مشتری ولخرج!

اما از روایت بلمبرگ تلخ‌تر هم داریم! یک روز پس از بازگشت رئیس جمهور و هیئت بازرگانی همراه وی «ان پی آر» گزارشی درباره این سفر و جزئیات آن نوشت که خواندنی و عبرت‌آموز است. در این گزارش، داستان خریدهای دست و دل‌بازانه دولتمردان در اروپا تشریح شده است اما تیتراژ انتخابی آن گزارش، خود به تنهایی حکایت تلخ سوغات فرنگ را روایت می‌کند! ان پی آر اینگونه تیتراژ زد: «با رفتن تحریم‌ها، ایران به یک خریدار عیاش در اروپا تبدیل شد!» واقعا آنها هیئت یکصد نفره ما را چگونه ارزیابی کرده‌اند که از این عبارات برای توصیف قراردادهای منعقد شده استفاده کرده‌اند؟! و چرا مثلا نوشته که ایران پس از تحریم‌ها، به صید تکنولوژی و منابع مالی در اروپا مشغول است؟! ناجی دو دهم درصدی!

با اینکه تلاش بر این است که نفس سفر به فرانسه را، نشان پیشرفت و آبادانی ایران قلمداد کنند، اما آنها که دلشان می‌خواهد واقعیات را آنگونه که هست- و نه آنگونه که دولتمردان می‌خواهند- ببینند، با مروری ساده بر آمار و اخبار در می‌یابند که ایران در شرایط کنونی، نه تنها وامدار کشوری چون فرانسه نشده، بلکه به عنوان ناجی آن کشور ظاهر شده و خون رگه‌ای اقتصاد خود را به پیکر بی‌جان آن اقتصاد تزریق کرده و حاضر شده ایرانی باز هم بیکاری و بی‌رونقی را تجربه کند اما جوان فرانسوی شغل

داشته باشد! بلومبرگ روز گذشته در باره اوضاع فاجعه‌آمیز اقتصاد فرانسه نوشت: «قدرت خرید خانوارهای فرانسوی در سه ماه پایانی سال گذشته میلادی ۴ درصد کاهش نشان می‌دهد و از سویی دیگر هزینه‌های دولتی این کشور با ۴ دهم درصد افزایش روبرو شده است. رشد اقتصادی دومین اقتصاد بزرگ اروپا یعنی فرانسه همچنان با کندی هر چه بیشتر در جریان است. براساس گزارش اداره آمار فرانسه، رشد اقتصادی این کشور در سه ماه پایانی سال گذشته میلادی تنها «۲ دهم درصد» گزارش شده است. ضمن اینکه آمار بیکاری فرانسه در سال ۲۰۱۵ میلادی ۵۹/۳ میلیون نفر اعلام شده است.» با این رشد اقتصادی و با این جمعیت بیکار، چه معجزه‌ای و چه فرشته نجاتی از روحانی و تیم همراه وی می‌توانست به داد فرانسه در بن‌بست برسد؟! باید پرسید معامله صورت گرفته، متضمن سود ایران بوده یا منافع فرانسوی‌ها را تامین کرده است؟! در چنین شرایطی، ای‌کاش دولتمردان ما، این معامله سراسر زیان را با عزت نفس انجام می‌دادند نه اینکه رئیس‌جمهور ایران بزرگ در کسوت رئیس یک شرکت هواپیمایی در آمده و شخصا با رئیس ایرباس دیدار و گفت‌وگو کند! اگر قرار است پول ایرانی چرخ اقتصاد فرانسوی‌ها را بچرخاند، چرا عزتمندانه نه؟! یک پیام کوتاه

افزون بر آنچه گفته شد، در سفر رئیس‌جمهور بر خلاف آن همه وعده پیشین، هیچ خبری از سرمایه‌گذاری در ایران، انتقال دانش و تکنولوژی و ... نبود و هرچه بود، خرید بود و خرید! موضوع آنقدر آشکار در ذوق می‌زد است که فرانس ۲۴ گزارش داد: «درهای ایران برای تجار باز است، این پیام ساده حسن روحانی رئیس‌جمهوری ایران در جریان سفر به اروپا است.» فرانس ۲۴ گزارش داد: «حسن روحانی به رغم اختلافات سیاسی (با پاریس) خواهان احیای روابط اقتصادی است... قراردادهای تجاری با ایران برای فرانسه بسیار سودآور خواهد بود بخصوص آنکه ایران در نظر دارد سفارش خرید حدود ۱۱۴ هواپیما را به شرکت ایرباس بدهد... کارشناسان اقتصادی بر این باورند که ایران در دو سال آینده میلیاردها یورو از صادرات فرانسه را خریداری کند»

همین رسانه درباره سفر روحانی به ایتالیا هم تعبیر جالبی دارد: «در واقع باید گفت که ایتالیایی‌ها با استقبال گرم از رئیس‌جمهوری ایران و انعقاد میلیاردها دلار تفاهمنامه تجاری-اقتصادی، به خوبی پیام اقتصادی ایران را درک کردند.» و چه پیام جالبی از ایران به گوش آنها رسیده است! پیام فراموش کردن همه گذشته‌های تلخ و جایزه دادن بخاطر همه پستی‌ها و پلیدی‌هایشان!

ذوق زدگی غربی‌ها و رسانه‌هایشان از ولخرجی و دست و دلبازی ایرانی‌ها پنهان کردنی نیست و از شادی در پوست خود نمی‌گنجند! بالاخره هرچه نباشد، آنها به شکلی ناجوانمردانه، بازی بعد از تحریم را هم از دیپلماتهای کهنه‌کار! ما برده‌اند! از این جیب به آن جیب!

اما در ورای همه آنچه گفته شد، یک نکته را نمی‌توان از نظر دور داشت. نفت ایران با توطئه کشورهای صنعتی که در روزگار بد اقتصادی به سر می‌برند، به حداقل قیمت ممکن رسیده است. ما اکنون نفت خود را در حدود ۲۵ دلار می‌فروشیم. همین مبلغ بدست آمده از نفت ارزان، قرار است موتور اقتصاد ایران را به حرکت درآورد. اکنون ما معادل چند سال فروش نفت را پیش‌خور کرده ایم! برای چه؟! برای هواپیمای ایرباس و پژو! یعنی اقتصاد غرب که به مدد نفت مفت ایران سرپاست، با پرداخت قطره چکانی پول‌های بلوکه شده، منت به سر ما می‌گذارد اما با غفلت و بی‌تدبیری دولتمردانمان، بلافاصله همان پول در جیب دیگر آنها قرار می‌گیرد! آیا واقعا کسی متوجه این موضوع نیست؟! در حالیکه دهها میلیارد دلار پول صرف خریدهای بلندپروازانه از فرانسه و ایتالیا شده، صنایع داخلی در برزخ بی‌صاحبی و بی‌یاوری دست و پا می‌زنند و یکی پس از دیگری نابود می‌شوند. اما ظاهرا عده‌ای نسبت به فرانسوی‌ها و ایتالیایی‌ها دینی به گردن خود حس می‌کنند یا اینکه پای دلالاتی چیره دست در کار است که این اندک سرمایه باقی مانده را از حلقوم اقتصاد ایران بیرون کشید و به حلق اقتصاد محتضر اروپا ریخت. همین روزهاست که دولت در اقدامی عجیب باردیگر همه چیز را گران کند، آب و برق را، حمل و نقل را و حتی سوخت را! وام‌ها را متوقف کند و در صدد واگذاری مدارس دولتی به بخش خصوصی برآید! چرا!! چون پول ندارد! همان بهانه همیشگی و البته کسی نیست بپرسد سرمایه و ثروت ملی که به جیب فرانسوی‌ها رفت، نباید خرج همین مردم می‌شد؟! فروشنده پررو!

اما ای کاش در کنار این دست و دلبازی رئیس‌جمهور، فرانسوی‌ها اندکی قدردان بودند و خودشان را مدیون ملت ایران می‌دانستند. اما نه تنها چنین نیست بلکه در اثر وادادگی دستگاه دیپلماسی ما، هنوز هیئت ایرانی در فرانسه است و هنوز امضا قراردادهای سخاوتمندانه ما خشک نشده، برای ما رجز می‌خوانند و تهدید می‌کنند! مثلا لوران فابیوس وزیر خارجه فرانسه درباره ملاقات‌های رئیس‌جمهور کشورمان با مقامات فرانسوی شبکه تلویزیونی فرانس ۲۴ گفت: «توافق هسته‌ای ایران (راه) برخی گفت‌وگوها را باز کرد... درست است که ایران به جامعه بین‌المللی بازگشته است اما این بدین معنی نیست که ما در مورد همه چیز توافق داریم، بخصوص در مورد سوریه! ما درباره سیاست، مسائل منطقه همچون سوریه، لبنان، عربستان و مناقشات در خاورمیانه گفت‌وگو و چند توافقنامه نیز امضا خواهیم کرد!»

فراموش نمی‌کنیم اکنون و با آنچه به اجمال بیان شد، نمی‌توان تردید کرد که تلاش دولت به ثمر نشسته و رونق اقتصادی به اقتصاد بازگشته است، اما نه به اقتصاد بیمار ایران، که به اقتصاد نیازمند فرانسه!

فراموش نمی‌کنیم که وزیر صنعت دولت یازدهم تصریح کرده بود حتی یک ریال یارانه صنعت تخصیص پیدا نکرده است. فراموش نمی‌کنیم که ۴ وزیر دولت یازدهم، درباره خطر تبدیل رکود به بحران ملی هشدار داده بودند. فراموش نمی‌کنیم که وزیر

کار رسماً اعلام کرده بود که هر 5 دقیقه یک ایرانی بیمار می‌شود. فراموش نمی‌کنیم که براساس آمار رسمی، بیش از هشتاد درصد کارگاه‌های تولیدی کشور تعطیل یا ورشکسته شده است. فراموش نمی‌کنیم که بورس ایران در دولت یازدهم با زیانی قریب به دو بیست هزار میلیارد تومان مواجه شد و سهامداران بسیاری نابود شدند. و البته هرگز فراموش نمی‌کنیم که پول دو یا سه سال نفت ایران به ایرباس و پژو تزریق شد تا بچه‌های مردم فرانسه بیکار نباشند! فراموش نمی‌کنیم که همان شرکتی که خون‌های آلوده به ایران فروخته بود بار که دیگر به ایران آمد. فراموش نمی‌کنیم که پولی که می‌توانست میلیون‌ها نفر را به سرکار بفرستد، به فرانسه رفت تا جلوی بحران‌ها و آشوب‌های خیابانی لشکر بیمار فرانسه را بگیرد. حال اگر اینجا پدرها و مادرها شرمند فرزند بیکار و تحصیل‌کرده‌اشان شدند، فدای لبخند دیپلماتیک رئیس‌جمهور!